

نقد و تطبیق مولفه مسئولیت‌پذیری روانشناسی تئوری انتخاب در قرآن کریم

مجله علمی پژوهش در روانشناسی، علوم تربیتی و علوم اجتماعی (سال هفتم)
شماره ۲۴ / تابستان ۱۴۰۰ ص ۳۲-۴۷

مسعود آذربایجانی^۱، حسین شریف عسگری^۲، عباس حسنعلی‌پور تمیجانی^۳

^۱استاد گروه روانشناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

^۲استادیار دانشکده اصول الدین.

^۳دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث.

نویسنده مسئول:

مسعود آذربایجانی

چکیده

ویلیام گلسر به‌عنوان مبدع نظریه انتخاب در تئوری خود مولفه مسئولیت‌پذیری را زیربنای تئوری خود و همچنین اساس واقعیت درمانی که مدل درمانی این تئوری است معرفی می‌نماید. او معتقد است تمام مشکلات زیربنایی بشر ریشه در مسئولیت‌گریزی او دارد. در تطبیق و نقد این نظریه با آیات قرآن کریم مشخص شد، قرآن کریم نیز بر مسئولیت‌پذیری انسان به‌عنوان یک رکن اساسی تأکید دارد. آیات بسیاری از قرآن کریم بر شرایط رفتار مسئولانه، انواع مسئولیت و حدود آن تأکید دارد. با اینحال تفاوت‌های مهمی نیز در مبانی مرتبط با مسئولیت‌پذیری و مسئولیت‌گریزی میان تئوری انتخاب و قرآن کریم وجود دارد. از جمله میان تعریف این مولفه از منظر تئوری انتخاب با قرآن کریم اختلافات مهمی وجود دارد. تئوری انتخاب هرچند شروط موجهی را برای تعریف مسئولیت‌پذیری ارائه می‌دهد لیکن بواسطه نادیده گرفتن بعد روحانی انسان، سطحی به مسئولیت‌پذیری نگریسته است و از شروطی اساسی در این مؤلفه غافل است. این پژوهش توانسته است شباهت‌ها، نقدها و نظریات جدید و متمایز قرآن کریم نسبت به مولفه مسئولیت‌پذیری را ارائه نماید.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، تئوری انتخاب، مسئولیت‌پذیری.

مقدمه

روانشناسی^۱ یکی از علوم جدید و مورد نیاز بشر در دنیای مدرن امروز است که هر روز جایگاه خود را بیش از پیش در موضوع فرآیندهای ذهنی و رفتار انسان باز می‌کند. از دیگر سو بر پایه باور مسلمانان قرآن کریم انسان که نخستین اصل و منبع شناخت و معرفت دینی است، اصلی‌ترین منبع استخراج آرا کلامی، اخلاقی و دیگر گونه‌های معارف بشری همسو با معارف این کتاب آسمانی است. قرآن کریم کتابی است که برای هدایت عموم مردم نازل شده است. ﴿... أَلْأَقْرَبُ أَنْ هُدَىٰ لِلنَّاسِ بَيِّنَاتٍ مِّنْ أَلْهُدَىٰ ۚ وَالْأَقْرَبُ قَانٍ ۖ...﴾ (بقره/۱۸۵) و این امر محقق نخواهد شد جز با اصلاح و هدایت ذهن و اعمال انسان‌ها.

یکی از تئوری‌های روان‌شناسی که امروزه رونق زیادی یافته است و به واسطه مبانی رفتار ساز، ساده و تاثیرگذار در تغییر باور، به‌ویژه در بین عام مردم از محبوبیت نسبی برخوردار گردیده، روان‌شناسی امید یا تئوری انتخاب است.

این مدل روان‌شناسی جدید توسط ویلیام گلسر^۲ بنا نهاده شده است. گلسر بر طبیعت اجتماعی انسان و هدفمندی رفتار او تاکید داشت. او انسان را نه مخلوق خانواده و نه محیط و نه تعارض‌های دوران کودکی می‌دانست. رفتار فرد و انتخاب‌های او را منشا آنچه بود، هست و خواهد شد می‌دانست و بر این باور بود که دیگران فقط به فرد اطلاعات می‌دهند اما نهایتاً این خود اوست که تصمیم می‌گیرد چه رفتاری را انتخاب کند [۱].

در واقع، نظریه زیربنایی تئوری انتخاب، معتقد است که تمام رفتارهایی که فرد انجام می‌دهد انتخاب‌های خود اوست تا به‌وسیله آن‌ها نیازهای درونی خود (عشق و احساس تعلق، آزادی، تفریح، قدرت، بقا) را ارضا کند. با توجه به این دیدگاه، افراد می‌توانند یاد بگیرند تا با دست زدن به انتخاب‌های بهتر، بر مشکلات خود فائق آیند و کنترل موثرتری بر زندگی خود داشته باشند. و از آنجا که انسان رفتار خود را با توجه به نیازهایش انتخاب می‌کند پس مسئول انتخاب رفتار خود نیز هست. بنابر این بدین جهت است که گلسر زیربنای تئوری خود را مفهوم مسئولیت‌پذیری می‌داند.

اما یادمان نرود تئوری انتخاب مانند سایر تئوری‌های روانشناسی تنها بر وجود مادی انسان تاکید دارد. درحالیکه انسان ساحت‌های متعددی دارد و در نظر نگرفتن ابعاد روحانی انسان بزرگترین ظلم به اوست.

از طرفی سوگیری‌های متعددی در روانشناسی مدل غربی وجود دارد برای مثال تشخیص بیماری روانی در کتابی زیر نظر انجمن روان پزشکی آمریکا با عنوان طبقه‌بندی تشخیص و آماری اختلالات روانی (DSM) منتشر می‌شود. در بسیاری از آن‌ها تحت سوگیری‌های مختلف تعریف و تدوین شده‌اند. حتی مواردی وجود دارد که کاملاً اهداف سیاسی در آن وجود دارد. گاهی یک بیماری از چارچوب بیماری‌ها حذف می‌شود. مثلاً بیماری همجنس‌گرایی بوضوح و تحت فشارهای سیاسی و روانی جامعه آمریکا از لیست اختلالات روانی این کتاب خارج گردید.

از دیگر سو ما از قرآن سخن می‌گوییم. از کتابی که مربوط به دین بزرگ اسلام است. هیچ مسلمانی و هیچ فرقه‌ای از ایشان در اعتبار و مقدس بودن آن شک ندارد و همه برای اثبات مدعای خود می‌توانند به آن استناد کنند.^۳ این یک ویژگی ممتاز برای قرآن کریم است. کتابی که دست نخورده و بکر از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است بی‌آنکه ذره‌ای خدشه و تحریف بر آن وارد شود.

قرآن مجید متضمن کلیات برنامه زندگی بشر است. یعنی تضمین کرده است که آنچه برای هدایت او نیاز است عرضه نماید:

إِنَّ هَٰذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا (الإسراء، ۹)

ویژگی سومی که در قرآن کریم ما را بر عرضه‌ی سایر علوم به‌ویژه علوم انسانی و به تخصیص مباحث و مکاتب روان‌شناسی ترغیب می‌کند این است که بدانیم:

معارف این کتاب عظیم همیشگی است و به زمان و عصر خاصی منحصر نیست. قرآن خودش را کامل می‌داند و فراتر از کمال هیچ چیز نیست:

إِنَّهُ لَقَوْلُ فَصْلٍ (الطارق، ۱۳)

بی‌تردید که این قرآن، سخنی جداکننده [میان حق و باطل] است

وَمَآ هُوَ بِالْهَزْلِ (الطارق، ۱۴)

و آن هرگز شوخی نیست.

و باز می‌فرماید:

.... وَ إِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ (فصلت، ۴۱)

.... بی‌تردید قرآن کتابی است شکست ناپذیر،

لَا يَأْتِيهِ الْآلُاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ (فصلت، ۴۲)

^۱ Psychology

^۲ اسلام در قرآن / علامه طباطبائی ص ۱۱

که هیچ باطلی از پیش رو و پشت سرش به سویش نمی‌آید، نازل شده از سوی حکیم و ستوده است. این‌ها همه ما را بر آن می‌دارد تا ضمن اینکه برای دست آوردهای بشری چون تئوری انتخاب ارزش و احترام قائل باشیم از سوی دیگر به اثر بخشی کامل آن‌ها به دلایلی که گفته شد بدبین باشیم و با کمک قرآن کریم این دستاوردها را مطابق فرهنگ قرآنی و اسلامی خود بومی‌سازی نماییم.

با این توضیح به سراغ یکی از مفاهیم اساسی در نظریه انتخاب ویلیام گلسر رفتیم. نیازهای بنیادین مهم‌ترین و پایه‌ای‌ترین مولفه مطرح در تئوری انتخاب است. این مفهوم را در بوته نقد و تطبیق با قرآن کریم قرار دادیم تا از این حیث نظرات مشترک، نقدها و نظرات جدید قرآن کریم نسبت به این تئوری مشخص گردد.

مؤلفه مسئولیت‌پذیری و نقد آن از نگاه قرآن کریم

دکتر گلسر در کتاب واقعیت درمانی می‌نویسد:

«مسئولیت‌پذیری که یکی از مفاهیم بنیادی واقعیت درمانی است، به معنای توانایی فرد در برآورده کردن مؤثر نیازهای خود است، البته به شیوه‌ای که مانع برآورده شدن نیازهای به حق دیگران نشود. مردم نه به این علت که بیماراند غیرمسئولانه عمل می‌کنند، بلکه چون غیرمسئولانه عمل می‌کنند، بیمار هستند» [۱].

دو رکن مسئولیت‌پذیری از نگاه تئوری انتخاب

همان‌طور که بیان شد گلسر [۲] در واقع دو شرط اساسی را برای مفهوم مسئولیت‌پذیری ارائه کرد:

اول: توانایی برآورده کردن مؤثر نیازهای خود

دوم: برآورده کردن نیازهای خود مانع برآورده شدن نیازهای به حق دیگران نباشد.

اول: توانایی برآورده کردن مؤثر نیازهای خود

این شرط در واقع خود دو نکته را بیان می‌کند اول این‌که افراد مسئولیت دارند خودشان نیازهای خودشان را برآورده کنند و برآورده شدن آن را نباید از شخص دیگری بخواهند. به‌عنوان مثال اغلب زوجین گمان می‌کنند که دیگری وظیفه دارد نیازهای او را برطرف سازد و برای این ازدواج کرده که نیازهای او را ارضا کند. در حالی‌که هر کدام از زوجین برای برآورده شدن نیاز خودشان است که ازدواج می‌کنند. و وظیفه دارند نیازهای خودشان را خودشان ارضا کنند و به دیگری کمک کنند که او هم بتواند بصورت مؤثر نیازهایش را ارضا کند.

دوم این‌که گلسر [۳] معتقد است مؤثر بودن ارضای نیاز به این معناست که در دراز مدت تصمیمی که فرد برای برآورده کردن نیاز کوتاه مدت خود می‌گیرد، برخلاف منافع بلند مدت او نباشد. به‌عنوان مثال کسی که برای فراموشی یک رابطه تلخ یا یک شکست عاطفی به مواد مخدر یا الکل پناه می‌برد در واقع ممکن است نیاز کوتاه مدت خود برای فراموشی آن رابطه تلخ را ارضا کرده باشد ولی چنین شیوه‌ای برای رفع نیاز مؤثر و مسئولانه نیست زیرا در دراز مدت پیامدهای بسیار نامطلوبی را برای فرد به‌همراه دارد.

بر این اساس گلسر رفتاری را مؤثر می‌داند که باعث شود فرد کنترل موثری در دراز مدت روی زندگی خود داشته باشد [۲].

دوم این‌که شیوه برآورده کردن نیاز نباید باری به دوش دیگران باشد

رضای نیاز هر چند از نوع مؤثر باشد، نباید باری روی دوش دیگری بگذارد. یعنی نباید مانع ارضای به حق دیگری شود. به‌عنوان مثال این‌که شما بخواهید جشن تولد برای فرزندتان بگیرید به خودی خود اقدام مؤثر و خوبی است ولی اگر نیمه شب و با راه‌اندازی سر و صدای زیاد به این امر مبادرت کنید در واقع ارضای نیاز شما در عشق و تعلق به فرزندتان با پا گذاشتن روی نیاز به حق همسایه‌تان در ارضای نیاز به امنیت و بقا برای استراحت تأمین شده است که مسئولانه نیست.

طبیعی است که مسئولیت رفتارهای ما براساس تئوری انتخاب با ماست و این ما هستیم که از منافع مثبت رفتارها و یا پیامدهای منفی آن سهم خواهیم برد.

پنج اصل اول تئوری انتخاب و مسئولیت‌پذیری

در واقع ۵ اصل از اصول ده‌گانه تئوری انتخاب مرتبط با مؤلفه مسئولیت‌پذیری و نحوه پذیرش مسئولیت و اقدام برای رفع این نیازهاست:

۱. تنها فردی که می‌توانیم رفتار او را کنترل کنیم، خود ما هستیم. یعنی مسئولیت رفتار خودمان صد در صد با ماست؛

۲. (در مقام کنترل دیگران) تنها چیزی که می‌توانیم به فرد دیگری بدهیم «اطلاعات» است.

یعنی بپذیریم که مسئول زندگی دیگران نیستیم تا بخواهیم او را وادار کنیم که کاری را که ما برایش خوب می‌دانیم انجام دهد. مسئولیت ما در قبال دیگران تنها دادن اطلاعات مفید به اوست تا خودش بتواند تصمیم بگیرد.

(وَإِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظِرٌ ﴿١٠٠﴾ إِذْ أَنشَأَ نِصْرًا كَبِيرًا ﴿١٠١﴾ سَمِعَ نِدَاءً حَقِيرًا ﴿١٠٢﴾ ذُرِّيَّتِي لِمَ كَفَرْتُ بِالْحَنِيفِ الَّتِي كُنْتُ عَلَيَّ ﴿١٠٣﴾ لِمَ مَدَدْتُ لَكَ يَدًا ذَاتَ رَهْبٍ ذَلِيلٍ ﴿١٠٤﴾ ثُمَّ جَاءَكَ الشُّعْرَاءُ بِتُفْهِينِهِمْ ﴿١٠٥﴾ وَلَوْ أَنَّهُمْ كَانُوا يَشْعُرُونَ ﴿١٠٦﴾ فَتَوَلَّى عَنْهُمْ ظَهْرًا ﴿١٠٧﴾ وَكَذَّبَ بِآيَاتِهِ الَّتِي كُنْتَ تَتْلُو ﴿١٠٨﴾ فَمَا تَلَوْتُهُ لَكَ فَتَرْجُو أَنَّ يُبَدِّلَهَا نَارًا جَلِيلًا ﴿١٠٩﴾ ثَلَاثًا مِّنْ ذُرِّيَّتِكُمْ أَفَكُن مَبْذُورًا ﴿١١٠﴾ وَإِن يَبْدُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ الْيَوْنُ الْوَدُوعُ ﴿١١١﴾ وَكَأَنَّمَا جَاءَكَ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّكَ فَهُمْ لَكَ مَأْمُورُونَ ﴿١١٢﴾ وَإِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظِرٌ ﴿١١٣﴾ إِذْ أَنشَأَ نِصْرًا كَبِيرًا ﴿١١٤﴾ سَمِعَ نِدَاءً حَقِيرًا ﴿١١٥﴾ ذُرِّيَّتِي لِمَ كَفَرْتُ بِالْحَنِيفِ الَّتِي كُنْتُ عَلَيَّ ﴿١١٦﴾ لِمَ مَدَدْتُ لَكَ يَدًا ذَاتَ رَهْبٍ ذَلِيلٍ ﴿١١٧﴾ ثُمَّ جَاءَكَ الشُّعْرَاءُ بِتُفْهِينِهِمْ ﴿١١٨﴾ وَلَوْ أَنَّهُمْ كَانُوا يَشْعُرُونَ ﴿١١٩﴾ فَتَوَلَّى عَنْهُمْ ظَهْرًا ﴿١٢٠﴾ وَكَذَّبَ بِآيَاتِهِ الَّتِي كُنْتَ تَتْلُو ﴿١٢١﴾ فَمَا تَلَوْتُهُ لَكَ فَتَرْجُو أَنَّ يُبَدِّلَهَا نَارًا جَلِيلًا ﴿١٢٢﴾ ثَلَاثًا مِّنْ ذُرِّيَّتِكُمْ أَفَكُن مَبْذُورًا ﴿١٢٣﴾ وَإِن يَبْدُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ الْيَوْنُ الْوَدُوعُ ﴿١٢٤﴾ وَكَأَنَّمَا جَاءَكَ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّكَ فَهُمْ لَكَ مَأْمُورُونَ ﴿١٢٥﴾ وَإِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظِرٌ ﴿١٢٦﴾

دِٰلِیْمُوْنَ * وَ الَّذِیْنَ فِیْ اُمُوْهِمُ حَقٌّ مَّعْلُوْمٌ * لِلسَّائِلِیْنَ وَ الْمَحْرُوْمِ (سوره معارج، آیه ۱۹ - ۲۵).

در این آیات بیان می‌فرماید انسان مسئولیت‌گریزی را روی ذات خود دارد. حرص، بی‌تابی، نسبت دادن شر به خدا یا دیگران، نسبت دادن خیر به خودش و... همه ریشه در ذات مسئولیت‌گریز انسان دارد.

مگر کسانی که برای مسئولیت‌پذیری اقدامات لازم را انجام داده‌اند. و تعدادی از آن اقدامات را تا آیه ۲۵ بیان می‌فرماید. ما صرفاً لیستی از آنچه در این آیات از مصادیق انسان مسئولیت‌پذیر بیان شده است بیان می‌کنیم:

نمازگزاران واقعی، انفاق‌کنندگان همیشگی، پاکدامنان و عفت‌پیشگان جنسی، امانت‌داران و...

که در واقع کسی مسئولیت‌پذیر است که توانسته تمام این ویژگی‌ها را در خود تقویت و ایجاد نماید.

اهمیت مسئولیت‌پذیری در قرآن

مسئولیت‌پذیری از چنان اهمیتی برخوردار است که به امانت الهی تعبیر شده در قرآن کریم، به همان تعهد و قبول مسئولیت یاد شده است و علت این‌که این امانت عظیم، به انسان سپرده شده این بود که او این قابلیت را داشت و می‌توانست ولایت الهی را پذیرا گردد [۴]؛ یعنی در جاده عبودیت و کمال به‌سوی معبود بی‌همتا حرکت و سیر کند؛ چنانکه خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا﴾

رکن اول تعریف مسئولیت‌پذیری در قرآن

مسئولیت در قرآن، به بار سنگین تشبیه شده است. خداوند در قرآن می‌فرماید: وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى، هیچ گناهکاری بار گناه دیگری را بر دوش نمی‌کشد.

در این آیه «وزر» به معنی سنگین است و در برخی از تفاسیر به معنای «گناه» و «مسئولیت» نیز آمده است. خداوند در این آیه ما را به این معنا رهنمون می‌شود که بار سنگین مسئولیت را احدی جز انسان بر دوش نمی‌کشد.

به‌نظر می‌رسد این بیان از آیه شریفه بالا متناسب با اصل اول مسئولیت‌پذیری تئوری انتخاب باشد که می‌گفت: هرکس مسئول برآورده‌سازی مؤثر نیازهای خویش است. این آیه نیز می‌فرماید مسئولیت رفتارها و اقداماتی که انجام می‌دهی منحصر با خود توست و کسی نمی‌تواند به جای تو نیازهای تو را برآورده سازد و یا پیامدهای رفتارت را برعهده بگیرد. پیامدهای رفتارهایت به خودت باز خواهد گشت.

آیه ۲۸۵ اسراء

و در روز رستاخیز هر کسی مسئول پاسخگویی به اعمال خویش است و ابعاد این پاسخگویی به قدری وسیع است که حتی اعضاء و جوارح انسان را نیز در بر می‌گیرد.

خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَٰئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا﴾

انگار می‌فرماید:

نیازهایت را نا آگاهانه و غیر مؤثر برآورده نکن، زیرا مسئولیت پیامدهای آن قطعاً به عهده خودت خواهد بود.

آیات ۴۳ تا ۴۶ مدثر

آیاتی که از گفتگوی مجرمین در قیامت پرده بر می‌دارند نیز با این اصل در تعریف مسئولیت‌پذیری ارتباط کامل دارند. در آیات ۴۳ تا ۴۶ از سوره مدثر مجرمین در پاسخ بهشتیان که چه چیز باعث شد جهنمی شوید. مطالبی را عنوان می‌کند که متناسب با بحث ماست:

﴿قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ * وَلَمْ نَكُ نَطْعِمُ الْمِسْكِينَ * وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ * وَكُنَّا نُكَذِّبُ بَيُّومَ الدِّينِ * حَتَّىٰ أَتَانَا الْيَقِينُ﴾ (سوره مدثر، آیه ۴۴-۴۷).

یعنی اعمال و رفتارهایی که انتخاب کردیم مؤثر نبود. با این‌که نیازهای لحظه‌ای را برآورده کرده بود و شاید در دنیا خوش بودند که تکلیفی ندارند، با گفتار لغو و بیهوده خوش هستند ولی در نهایت چنین رویکردی در ارضای نیازها در بلند مدت پیامد سختی چون جهنم در پی داشت.

رکن دوم تعریف مسئولیت‌پذیری در قرآن

قرآن کریم با بیان بسیاری از پیامدها به شکل آیات عذاب در صدد بیان درسی بسیار بزرگ است. این آیات در جهت تقویت مسئولیت‌پذیری در کسانی است که فقط به رفع نیازهای خود فکر می‌کنند. افرادی که هیچ توجهی به این مسئله ندارند که بار ارضای نیاز آن‌ها روی دوش افراد دیگر است.

آیات بسیار زیادی به این مسئله اشاره دارند که به دو نمونه از آن‌ها اشاره خواهیم کرد.

آیات مربوط به ظلم به دیگران

آیاتی که به ظلم و ستمکاری نسبت به مظلومین اشاره می‌فرماید در واقع حال کسانی را می‌گوید که تنها به رفع نیاز خود فکر می‌کنند و ابایی ندارند بار ارضای نیازشان را روی دوش دیگران بگذارند و به آن‌ها ستم کنند.

شوری ۴۲:

﴿إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَ يَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ (سوره شوری، آیه ۴۲).
آیه ۱۴۰ بقره:

﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ شَهِدَ أَنَّهُ عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ مَا لَيْسَ بِهِ بَغْيًا وَلَا ظُلْمًا﴾ (سوره بقره، آیه ۱۴۰).

در این آیه شریفه به رفتار افرادی اشاره می‌شود که برای ارضای نیاز عافیت طلبی یا از دست ندادن منفعتی و یا هر نیاز دیگر خود اقدام به کتمان شهادت می‌کنند. این نحوه ارضای نیاز آنان با ارضای به حق نیاز فرد دیگری می‌گذارد که به شهادت راستین او نیاز دارد. قرآن کریم چنین رفتاری را مصداق بزرگ بی‌مسئولیتی می‌داند و هشدار می‌دهد که آتش خشم خدا در قیامت پیامد بزرگ این بی‌مسئولیتی است.

رکن مسئولیت‌پذیری ویژه قرآن کریم

یکی از تفاوت‌های مسئولیت‌پذیری تئوری انتخاب با این مؤلفه در قرآن کریم در بحث ارکان و قواعد مسئولیت‌پذیری و تعریف آن است. همان‌طور که بیان شد تئوری انتخاب مسئولیت‌پذیری را در رفع مؤثر نیازها بدون گذاشتن بار ارضای آن روی دوش دیگری می‌داند ولی قرآن کریم به آن نکات دیگری هم می‌افزاید.

رکن عدم ایجاد بدعت

ممکن است رفتاری نیاز فرد را مؤثر ارضا کند و بارش روی دوش کسی هم نباشد ولی از نوع بدعت و حرام باشد. چنین رفتاری از نظر قرآن کریم مسئولانه نیست ولی تئوری انتخاب به آن بی‌توجه است.

آیه ۲۷ حدید

﴿وَرَهْبًا إِنِّي إِنتَدَعُوهٗ أَمْ لَا كَتَبْنَا لَهُمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَنْ رَعَوْهُ فَقَدْ رَعَىٰ آيَاتِي ۖ فَآتَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ﴾ (سوره حدید، آیه ۲۷).

رهبانیت انتخابی بود که نیاز راهبان مسیحی را به‌صورت مؤثر ارضا می‌کرد، باری هم روی دوش کسی نمی‌گذاشت ولی قرآن کریم آن را مصداق بدعت می‌داند و مرتکبانی که حق آنرا رعایت نکردند را فاسق نام می‌نهد.

اعمال بسیاری از مراضان و تارکان دنیا اگر خود خوشنود باشند و اعمالشان زحمتی برای دیگران ایجاد نکند عملی مسئولانه برای ایشان است اما قرآن کریم بدعت‌های زننده را رکن بزرگ بی‌مسئولیتی می‌داند.

انواع مسئولیت در قرآن کریم

مسئولیت در قرآن کریم انواع مختلفی دارد؛ مسئولیت نفس، مسئولیت خانواده، مسئولیت اجتماعی و مسئولیت امت و... در ادامه به برخی از انواع مسئولیت از نگاه قرآن کریم اشاره خواهیم کرد.

مسئولیت نفس

مسئولیت انسان با مسئولیت نفس خود آغاز می‌شود، هر انسانی در درجه اول مسئول پرورش و تزکیه نفس خود است، و این مسئولیت اساسی‌ترین مسئولیت‌ها در اصلاح دیگران است.

این اصل را می‌توانیم با اصول اول و دوم تئوری انتخاب که از اصول ده‌گانه آن بود و متناسب با مؤلفه مسئولیت‌پذیری می‌باشد مطابق بدانیم. اصولی که می‌گفت:

۱. تنها فردی که می‌توانیم رفتار او را کنترل کنیم، خود ما هستیم؛

۲. تنها چیزی که می‌توانیم به فرد دیگری بدهیم «اطلاعات» است.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسُكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ ۚ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ (سوره مائده، آیه ۱۰۵)

﴿أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ (سوره بقره، آیه ۴۴).

این دو آیه دلالت دارند بر این که وظیفه داریم به خودمان بپردازیم. نکوهش می‌کنند افرادی را که دیگران را به خیر دعوت می‌کنند ولی خود را فراموش کرده‌اند. ما مسئولیت تغییر و اقدام برای خیر از سوی خودمان را داریم.

در روز قیامت انسان درباره چگونگی صرف مال، عمر و جوانی خود و تمامی نعمت‌هایی که خداوند متعال در اختیار آن‌ها قرار داده است، مورد حساب قرار می‌گیرد.

همچنین قرآن بیان می‌فرماید که باید توجه کامل را به تمامی اعمال خودت بدهی که با تک تک اعضا و جوارحت انجامشان می‌دهی. چرا که تو مسئول اعمال و رفتار خویش هستی: که پیش از این مطرح شد.

تفاوت مسئولیت نفس در قرآن و تئوری انتخاب

از نظر قرآن مسئولیت ارضای نیازهای خودت با خودت توست مانند آنچه در تئوری انتخاب مطرح است. قرآن معتقد است نباید بار نیازت روی ارضای نیاز به حق دیگری بیفتد. این هم مورد توافق با تئوری انتخاب است. لیکن قرآن کریم شرط دیگری دارد و آن این که مسیر ارضای نیاز باید الهی باشد و بدعت‌آمیز و خارج از اعتدال نباشد:

به طور مثال انسان نمی‌تواند برای ارضای نیاز جنسی خود مرتکب استمناء یا لواط یا زنا شود. راه صحیح ارضای این نیاز، ازدواج است. اما از نظر تئوری انتخاب استمناء مادام این که افراط در آن نشود و باعث مشکلات دیگری که کنترل تو را بر زندگی‌ات خدشه دار می‌کند مشکلی برای ارتکابش نیست. همین‌گونه در مسئله زنا تئوری انتخاب معتقد است افراد برای ارضای نیاز جنسی یا عشق محتاج ازدواج نیستند و می‌توانند با رضایت هم از یکدیگر کامروا گردند.

تا مادامی که فرد نیازش را بصورت مؤثر و بدون زحمت برای نیاز به حق دیگری ارضای می‌کند، مسیرهای نامتعارف، بدعت‌آمیز و خارج از اعتدال جایگاهی در تئوری انتخاب ندارد.

حس مسئولیت نسبت به خانواده

در فرهنگ اسلام و قرآن، خانواده کانونی مقدس و بسیار پر اهمیتی است. تمامی اعضای خانواده به‌خصوص همسران در برابر یکدیگر مسئول و موظف به رعایت حقوق یکدیگر می‌باشند. تک تک اعضا خانواده نسبت به هم مسئولند و وظایفی دارند که باید به آن مسئولانه عمل کنند. مهرورزی مرد در خانواده سبب خواهد شد تا مسئولیت هدایت خانواده را نیز به‌خوبی عهده‌دار شود. مسئول است چون باید حقوق مالی و مادی خانواده را تأمین کنید:

﴿الرَّجُلُ الْفَاحِشُ عَلَىٰ آلِهِ كَسْبُ الْفَحْشَاءِ عَلَىٰ بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ﴾ (سوره نساء، آیه ۳۴).

تفاوت قرآن کریم در مسئولیت خانواده با تئوری انتخاب

قرآن کریم به همه مؤمنان خطاب می‌کند که:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ﴾ (سوره تحریم، آیه ۶).

این آیه از تفاوت‌های نگاه قرآن با تئوری انتخاب در مسئله مسئولیت در قبال خانواده است. تئوری انتخاب معتقد است فرزند و یا افراد تحت تکفل با سایر افراد جامعه در میزان کنترل آن‌ها تفاوتی ندارند. فقط باید به آن‌ها برای انتخاب درست اطلاعات داد و گرفت. لیکن قرآن کریم نسبت به افراد تحت تکفل و خانواده تحت پوشش فرد وظیفه بیشتری قائل است. باید تلاش کند آن‌ها خود را به هلاکت نیندازند.

در این آیه شریفه تعبیر به «قوا» (نگه‌دارید) اشاره به این است که اگر آن‌ها را به حال خود رها کنید خواه‌ناخواه به‌سوی آتش دوزخ پیش می‌روند، شما هستید که باید آن‌ها را از سقوط در آتش دوزخ حفظ کنید.

گرچه اسلام بر امر به معروف و نهی از منکر سفارش بسیاری نموده است اما از آیه فوق به‌خوبی استفاده می‌شود که انسان در مقابل همسر و فرزندان خویش مسئولیت سنگین‌تری دارد و موظف است تا آنجا که می‌تواند در تعلیم و تربیت آن‌ها بکوشد، آن‌ها را از گناه باز دارد و به نیکی‌ها دعوت نماید، نه این که تنها به تغذیه جسم آن‌ها بسنده کند.

بر این اساس قرآن کریم افرادی که علرغم تلاش مسئول خانواده در مسیر هدایت و کمال قرار نمی‌گیرند از دایره اهل و هم خانواده بودن خارج می‌گردند. این مسئله را در پاسخ پروردگار به نوح در دلیل غرق شدن فرزندش می‌توان به وضوح دید:

﴿قَالَ يٰ نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلْنِي بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعِظُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ﴾ (سوره هود، آیه ۴۶).

ذیل این آیه شریفه در حدیثی می‌خوانیم هنگامی که آیه «قوا انفسکم و اهلیکم نارا» نازل شد، یکی از یاران پیامبر پرسید:

چگونه خانواده خود را از آتش دوزخ حفظ کنیم؟ فرمود: «آن‌ها را امر به معروف و نهی از منکر کن، اگر از تو پذیرا شوند، آن‌ها را از آتش دوزخ

حفظ کرده‌ای و اگر نپذیرند، وظیفه خود را انجام داده‌ای» (تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۳۷۲).

حس مسئولیت نسبت به والدین

قرآن کریم پس از امر به عبادت خداوند متعال، تمام انسان‌ها را به احسان به والدین فرمان می‌دهد، فرمانی که اطاعت از آن، عین عبادت و بندگی خدا و سرپیچی از آن، معصیت و موجب عقاب و عذاب در روز قیامت است (سوره انعام، آیه ۱۵۱).

مردی از رسول خدا پرسید:

«حق پدر و مادر بر فرزند چیست؟ فرمود:

هُمَا جَنَّتْكَ وَ نَارُكَ (کنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۶۳، حدیث ۴۵۴۵۳)؛

«آن دو، بهشت و جهنم تو هستند.»

یعنی احسان به آنان و رعایت حقوق‌شان باعث داخل شدن در بهشت و عدم رعایت احترام و حقوق آنان باعث ورود به آتش جهنم است.

حس مسئولیت نسبت به افراد جامعه

تئوری انتخاب در مسئولیت افراد مقابل جامعه یک اصل کلی دارد که در اصول ده‌گانه آن نیز منعکس است و آن اصل این است: آنچه از دیگران دریافت می‌کنیم اطلاعات است و آنچه دیگران به ما می‌دهند نیز اطلاعات است، نه ما می‌توانیم آن‌ها را مجبور کنیم که برخلاف میلشان کاری را که ما می‌خواهیم انجام دهند و نه آنان می‌توانند ما را مجبور به کاری کنند که خواهان آن نیستیم. نهایتاً این ما هستیم که انتخاب می‌کنیم و این آن‌ها هستند که از میان اطلاعاتی که از ما و جاهای دیگر دریافت کرده‌اند انتخاب خواهند کرد.

قرآن کریم در آیه‌ای که من آن را آیه ناظر بر تئوری انتخاب می‌دانم می‌فرماید:

(الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَ أَولَئِكَ هُمُ أَوَّلُوا أَلْبَابٍ) (سوره زمر، آیه ۱۸).

یعنی اطلاعات را می‌گیریم و این نهایتاً خود ما هستیم که سعی می‌کنیم بهترین انتخاب را از میان آن اطلاعات انتخاب کنیم. و وظیفه داریم بهترین را انتخاب نمایم. نسبت به دیگران نیز وظیفه و مسئولیت ما هم این است و این پیام قرآن جاری در تمام طول تاریخ است.

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌فرماید:

«بندگان خدا طالب حق و رشدند، به هر سخنی که گوش دهند بدین امید گوش می‌دهند که در آن حقی بیابند و می‌ترسند که در اثر گوش ندادن به آن، حق از ایشان فوت شود.» [۴].

یعنی این زمینه حق‌طلبی و حق‌یابی در انسان ودیعه بالقوه نهاده شده و راه بالفعل کردن آن این است که به خوبی تمام سخنان را گوش دهند و از بین آن اطلاعات و سخنان بهترین را برگزینند.

در بخش اول از فصل سوم مفصلاً به این بحث پرداختیم که قرآن کریم چه موضعی در نحوه تعامل ما با جامعه و اطرافیانمان دارد. موضع قرآن کریم نسبت به نحوه تعامل با افراد جامعه کاملاً یک موضع فعال و پویا برای تبادل اطلاعات مفید است و قرآن کریم هر گونه اجبار برای به کرسی نشاندن سخنی را مردود می‌داند.

از آنجا که در بخش اول فصل سوم به تفصیل در اینباره (نهی از اجبار، ایمان اختیاری، تذکر دهنده بودن پیامبران نه وادارکننده و...)، مباحثی تقدیم شد در اینجا از تکرار آن خود داری می‌کنیم خواننده محترم می‌تواند به آنجا مراجعه فرماید.

بر این اساس قرآن کریم، پیامبرانش را فقط بشارت دهنده و انذار دهنده و یا به قول تئوری انتخاب اطلاعات دهنده می‌داند. هیچ اجباری در کار نیست.

این یک باور غلط و متروک از نظر قرآن کریم است که کسی گمان کند به جهت پاکی اطلاعاتی که در دست دارد حق دارد آن‌را به زور به دیگری که می‌بیند اگر آن‌را نپذیرند ضرر می‌کند بخوراند.

جمع‌بندی اینکه:

دو اصل ابتدایی از اصول ده‌گانه تئوری انتخاب با آیات بسیاری از قرآن کریم مطابقت دارد. اصولی که نشان از مسئولیت فرد در مقابل خودش و مسئولیتش در مقابل دیگران و جامعه بود. گویی این که تئوری انتخاب در مسئله افراد تحت تکفل انسان در خانواده تفاوتی با دیگر افراد جامعه قائل نیست. لیکن قرآن کریم وظایف و مسئولیت بیشتری در هدایت اهل و عیال برای انسان در نظر گرفته است.

حس مسئولیت نسبت به نیازمندان جامعه

قرآن کریم نه تنها بر مسئولیت و لزوم دستگیری از نیازمندان اصرار می‌ورزد بلکه یکی از اعمالی را که موجب دوری از خدا و گرفتاری در جنگال مجازات الهی است را عدم تشویق دیگران به اطعام نیازمندان ذکر می‌کند.

قرآن کریم در سوره نحل پس از بیان این مهم که برای هر امتی، رسولی فرستادیم، محتوا و اساس دعوت تمام پیامبران را «توحید» و «مبارزه

با طاغوت» معرفی می‌فرماید، چرا که اگر پایه‌های توحید محکم نشود، و طاغوت‌ها از جوامع انسانی طرد نگردند، هیچ برنامه اصلاحی قابلیت پیاده کردن ندارد. به معنی دیگر خداپرستی با پذیرش سلطه طاغوت‌ها و ستمگران، نمی‌سازد.

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ﴾ (سوره نحل، آیه ۳۶).

بر پایه چنین اصلی هیچ مسلمانی اجازه ندارد در برابر ظلم و ستم ستمگران سکوت کند و یا با آنان همراه شود. بر همین اساس تک‌تک مسلمانان وظیفه دارند:

اول: نظام‌ها و افراد طاغوتی نباید دوست، حامی و یاور مسلمان باشند.

قرآن کریم می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أُرِيدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُبِينًا﴾ (سوره نساء، آیه ۱۴۴)؛
 ﴿الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَسِئَرُوا إِلَيْهِمْ بَغْيًا أَوْ كِبَالًا أَوْ إِثْمًا أَوْ بَنَاءٍ عَمَلٍ﴾ (سوره نساء، آیه ۱۳۹).

در این آیه شریفه پروردگار مهربان، به همه مسلمانان هشدار می‌دهد که عزت خود را در همه شئون زندگی اعم از شئون اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و مانند آن، در دوستی با دشمنان اسلام نجویند، بلکه باید تکیه و پناه خود را در مسیر توحید و حق تعالی دنبال کنند که مبدأ تمام خوبی‌ها و عزت‌هاست.

دشمن خدا و طاغوت قابل اعتماد نیست و تاریخ گواهی می‌دهد که هر بار که منافعشان ایجاب کرده از پشت به مسلمین خنجرزده‌اند و صدمات زیادی را تحمیل کرده‌اند.

قرآن کریم در سوره مائده نیز این تفکر را که هر ملتی نیازمند تکیه‌گاه است و این تکیه‌گاه می‌تواند از میان بیگانگان انتخاب شود و نیز این ایده را که دوستی آن‌ها با ارزش است و روزی ثمربخش خواهد بود به‌شدت مردود می‌داند.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ أُولَٰئِكَ يَتَوَلَّوْنَ الْكَافِرِينَ﴾ (سوره مائده، آیه ۵۱).

چهارم. در تعالیم اسلامی هر نوع ارتباطی که به نقشه‌های ستمگران کمک کند و آنان را به اهداف شومشان نزدیک کند، سرزنش شده است. قرآن کریم در سوره نساء آیه ۶۰ مسلمانانی را که برای دآوری به نزد حکام می‌رفتند ملامت می‌کند و به این مهم اشاره می‌کند که پیامد مراجعه و پناه به طاغوت، سقوط به دره هولناک است.

پنجم. قرآن کریم با مخاطب قرار دادن همه مسلمانان، عدم تکیه بر ستمگران را وظیفه همگانی معرفی می‌فرماید:

﴿وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَمَا تَمْسِكُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ﴾ (سوره هود، آیه ۱۱۳۹).

بدیهی است تکیه بر ظالم، مفاسد و نابسامانی‌های فراوانی می‌آفریند و به‌جز ضعف و ناتوانی جامعه اسلامی و از دست دادن استقلال و خودکفایی و تبدیل شدن به یک عضو وابسته و ناتوان، سودی نخواهد داشت.

همچنین تکیه بر ظالمان باعث تقویت آن‌هاست و تقویت آن‌ها مایه گسترش دامنه ظلم و فساد و تباهی جامعه‌ها است.

نیاز به توضیح نیست که داشتن رابطه با جوامع غیر مسلمان براساس احترام متقابل و با حفظ منافع حداکثری مسلمانان و شرط عدم از دست دادن استقلال، نه تنها در قرآن و نگاه اسلام مردود نیست بلکه سیره معصومین و پیامبر خود گواه بر تأیید این رابطه است. مسئله اینجاست که طاغوت را تکیه‌گاه فرض کنند یا استقلال و امنیت را به آن‌ها بسپارند.

در این خصوص آیت الله مکارم شیرازی نکات ارزشمندی در جلد نهم تفسیر نمونه دارند که خوانندگان می‌توانند به آنجا مراجعه کنند.^۱

نقد تئوری انتخاب در مسئولیت مسلمانان مقابل نظام سلطه

همان‌طور که در بیان آیات مشاهده فرمودید در نحوه رفتار و مسئولیت شخص مسلمان و موضع‌گیری در برابر طاغوت نیز میان تئوری انتخاب و قرآن کریم تفاوت جدی وجود دارد.

اساساً سبک‌های روان‌شناسی غربی و از جمله تئوری انتخاب گلاسبر به واسطه نگاه انسان محور و مادی‌گرایانه خود نظری به توحید و طاغوت ندارند. فرد یا جامعه منافعی از هر کجا و هر نظامی به‌صورت مؤثر تأمین شود کفایت [۱]. حالا این تأمین نیاز من اگر منجر به تقویت طاغوت هم شود مادام که نیاز مرا به خطر نیندازد مشکلی با آن نیست.

در حالی که قرآن کریم اجازه نمی‌دهد مسلمین تقویت‌کننده نظام سلطه و طاغوت باشند. یا اجازه نمی‌دهد عزت خود را برای تأمین نیازشان از طاغوت از دست بدهند.

^۱. تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۲۶۱.

حس مسئولیت در قبال طبیعت

طبیعت از جمله برجسته‌ترین آیات الهی است که تفکر و تعقل درباره عناصر و ارتباط آن‌ها با یکدیگر، انسان را به شناخت بهتر عالم وجود و در نهایت، به شناخت خالق هستی و وحدانیت او رهنمون می‌کند.

بنابر این آب، خاک، حیوانات، دریاها، رودها، کوه‌ها، دره‌ها، نیزارها، معادن، جنگل‌ها و چراگاه‌ها و... مربوط به یک گروه یا ملیت و مردم یک روزگار نیست بلکه سرمایه‌ای ملی و بخشی از منابع طبیعی بشر به حساب می‌آیند. این منابع، ثروتی است که خداوند متعال برای استفاده انسان‌ها فراهم ساخته است و تک‌تک افراد در برابر حفاظت از آن مسئول‌اند.

در قرآن کریم در مقابل هر کاری که این سلامت را به خطر بیندازد، به شدت نکوهش شده است.

رسول خدا قبل از شروع جنگ‌ها، سپاه اسلام را به تقوا سفارش کرده و آنان را به رعایت اموری توصیه می‌نمود از جمله این که می‌فرمود:

«نخل‌ها را نسوزانید و در آب غرق نکنید، درختان میوه را قطع نکنید و زراعت را به آتش نکشید، زیرا شاید شما به آن نیازمند شوید. حیوانات حلال گوشت و اهلی را نکشید و از نابود کردن آن‌ها بپرهیزید مگر آن حیواناتی که ناچار به خوردن آن هستید.»^۱

(وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا) (رۀ اعراف، آیه ۸۵)؛

«در زمین، پس از اصلاح آن فساد مکنید.»

هر چند این آیه شریفه مصادیقی در خصوص فساد اخلاقی و اعتقادی را نیز شامل می‌شود، لیکن بدیهی است که نابودی منابع و آلوده کردن محیط زندگی، از مصداق‌های فساد در زمین هستند.

برخی، ریشه بحران محیط زیست در جهان معاصر را دین می‌دانند. به اعتقاد ایشان، اغلب ادیان مانند مسیحیت و اسلام، خاصیت انسان‌مداری دارند که انسان را اشرف مخلوقات معرفی کرده و خلقت کائنات را برای او بیان می‌کند. این گونه ادیان نه تنها دوگانگی را میان انسان و طبیعت بنیان نهاده‌اند، بلکه بر این مطلب نیز اصرار می‌ورزند که خدا اراده کرده آدمی طبیعت را به مقتضای غایات خاص خود استثمار کند.

البته کسانی که دین مبین اسلام و آیات قرآن کریم را می‌شناسند می‌دانند که چنین تهمتی هرگز با تعالیم آسمانی آن سازگار نیست. گو این که قرآن کریم یکی از بزرگ‌ترین مسئولیت‌های انسان را نسبت به طبیعت و محیط زیست می‌داند.

هر چند در آیاتی از قرآن کریم می‌خوانیم: (وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِی السَّمَاوَاتِ وَمَا فِی الْأَرْضِ جَمِيعًا) (سورة جاثیه، آیه ۱۳): برخی آیات مانند طبیعت برای انسان خلق شده (هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُم مَّا فِی الْأَرْضِ جَمِيعًا) (سورة بقره، آیه ۲۹) و به تسخیر او در آمده است ولی معنای آن‌ها استفاده آزاد و دلخواهی، به هر صورت ممکن نیست؛

معنای عمیق این آیات این است که به انسان قدرتی داده شده که توان کشف و پیشرفت روز افزون را از منابع طبیعی دارد نه این که می‌تواند هر گونه خواست از آن‌ها استفاده کند یا آن‌ها را نابود کند.

این معنا با دقت در معنای آیه ۱۶۴ بقره با کمی تأمل و تفکر روشن می‌گردد:

(إِنَّ فِی خَلْقِ السَّمَّاءِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّیْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْکِ الَّتِی تَجْرِی فِی الْبَحْرِ بِمَآءٍ یَنْفَعُ النَّاسَ وَمَآءٍ أَنزَلْنَا لَکُم مِّنَ السَّمَاءِ مَآءً فَآخَىٰ بِهِ الْآرَضُ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِیْهَا مِن كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِیفِ الْوِجْدِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَیْنَ السَّمِّاءِ وَالْأَرْضِ لَآیَاتٍ لِّقَوْمٍ یَّعْقِلُونَ) (سورة بقره، آیه ۱۶۴).

از سوی دیگر، قرآن کریم در بسیاری از آیات، انسان‌ها را به مطالعه طبیعت و عناصر آن فراخوانده است. همچنین بسیاری از سوره‌های قرآن کریم به نام یکی از عناصر طبیعت خوانده می‌شود، مانند سوره شریفه بقره، رعد، نحل، نور، عنکبوت، نجم، فجر، شمس، حدید، لیل، قمر، تین، ناس.

خداوند منان، سرنوشت بشر را به گونه‌ای رقم زده است که در دامن طبیعت رشد کند و به آن نیازمند باشد. طبیعت به شکلی خلق شده است که در خدمت انسان باشد و نیازهای او را برطرف کند. با در نظر رفتن این نکته که به حکم قرآن کریم همه چیز در جهان آفرینش بر پایه نظم و عدالت استوار است و هر چیزی به اندازه لازم آفریده شده است.

(إِنَّ كُلَّ شَیْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ) (سورة القمر، آیه ۴۹).

و یا فرموده است:

(وَبَرَزُقْهُ مِنْ حَیْثُ لَا یَحْتَسِبُ وَمَنْ یَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَیْءٍ قَدْرًا) (سورة الطلاق، آیه ۳).

به خوبی از این آیات دانسته می‌شود که مشکلات امروز بشر در محیط زیست حاصل استفاده نادرست انسان از طبیعت و منابع آن است. اتفاقاً مکتب‌های انسان‌گرای غربی و آن‌ها که حاکمیت فرامین الهی را نپذیرفته‌اند بیشترین نقش را در تخریب منابع طبیعی داشته‌اند.

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۵۹.

در قرآن کریم از نابود کردن و تخریب محیط زیست به عنوان اعتداء (تجاوز) نام برده شده است و بر این اساس کسانی که رفتار ناشایست نسبت به محیط زیست داشته باشند، از رحمت و محبت خداوند محروم خواهند بود.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحَرَّمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ﴾ (سوره مائده، آیه ۸۷).

قرآن کریم بین انسان و محیط زیست، جدایی قائل نیست و آن‌ها را مکمل یکدیگر می‌داند، از این رو دین اسلام کامل‌ترین سفارشات را برای حفاظت از محیط زیست دارد و تمامی جنبه‌های انسانی را در ارتباطی هماهنگ و موزون با مسیر الهی، در قرآن کریم به تصویر کشیده است. در آیه ۶۱ سوره هود آمده است:

﴿...هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا...﴾

علامه طباطبایی ذیل این آیه شریفه می‌فرماید:

«کلمه «عمارت» به معنای آن است که زمین را از حال طبعیش برگردانی و وضعی به آن بدهی که بتوان آن فوایدی که مترقب از زمین است را استفاده کرد، مثلاً خانه خراب و غیر قابل سکونت را طوری کنی که قابل سکونت شود و در مسجد طوری تحول ایجاد کنی که شایسته برای عبادت شود و زراعت را به نحوی متحول سازی که آماده کشت و زرع گردد و باغ را به صورتی درآوری که میوه بدهد و یا قابل تنزه و سیر و گشت گردد، و کلمه "استعمار" به معنای طلب عمارت است به این معنی که از انسانی بخواهی زمین را آباد کند بطوری که آماده بهره‌برداری شود، بهره‌ای که از آن زمین توقع می‌رود.» [۴].

آب

آب نیز به عنوان یکی از مظاهر طبیعت که باید از آلودگی مصون بماند مورد توجه قرآن کریم می‌باشد. آیات ذیل از قرآن کریم اشاره به اهمیت و نقش آب در زندگی بشر دارد.

﴿... وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ﴾ (سوره انبیاء، آیه ۳۰).

﴿... وَمَا أَنْزَلْنَا إِلَّاهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَّاءٍ فَاحِيٍّ إِلَيْهِ الْوَارِثُ بَعْدَ مَوْتِهِ...﴾ (سوره بقره، آیه ۱۶۴).

جمع‌بندی نقد قرآن به مسئولیت‌پذیری در قبال طبیعت در تئوری انتخاب:

ده‌ها آیه دیگر از قرآن کریم بیانگر اهمیت این کتاب شریف به منابع طبیعی است. دستوراتی که ذیل این آیات برای بیان مسئولیت مسلمان در قبال طبیعت بیان شده است بسیار زیاد و مؤکد تاکید قرآن در قبال مسئولیت در قبال طبیعت پیرامون انسان است. این وظیفه بر دوش انسان بدون قید و شرط وجود دارد و مانند تئوری انتخاب مشروط به ارضای نیاز در انسان نیست.

حس مسئولیت نسبت به حیوانات

جالب است در دنیای امروز تبلیغات زیادی راه افتاده تا بیان کنند که باید حقوق حیوانات را جدی گرفت و با آن‌ها بدرفتاری نکرد. این در حالیست که قرآن کریم هزار و چهارصد سال قبل دستورات متری خود را نسبت به مسئولیت انسان در برابر حیوانات بیان فرموده است. بعد از آن سیره پیامبر گرامی اسلام و سایر معصومان سرشار از نمونه‌های بارز مهربانی و انجام وظایف دینی و اخلاقی در مقابل حیوانات است. آیاتی که حیوانات را تسبیح گوی خداوند معرفی می‌کنند ضمن نکته‌ای که در خصوص حقیقت شعورمندی تمام عالم کائنات می‌رساند بیانگر این نکته هم هستند که جلب محبت مومنان را نسبت به حیوانات فراهم کنند. مومنان متوجه شوند آن موجودات هم مانند خودشان آفریده خداوند هستند و آن‌ها نیز همیشه شاکر و تسبیح گوی خداوند هستند حال آنکه ممکن است انسان مؤمن از این موهبت تسبیح گو بودن در تمام طول مدت زندگی برخوردار نباشند و به این سبب حیوانات را از خود برتر ببینند چرا که آنان فراموش نمی‌کنند تسبیحشان نسبت به حق تعالی را:

﴿يَسْبَحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ (سوره جمعه، آیه ۱).

﴿يَسْبَحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لَهُ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (سوره التغابن، آیه ۱).

این دو آیه بیانگر و تصدیق‌کننده شعور حیوانات است:

﴿وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنِ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبِ الْأُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ * ثُمَّ كُلِي مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلًّا يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهِمْ شَرَابٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾ (سوره نحل، آیه ۶۹).

و به یقین این آیات انسان مؤمن را نسبت به حیوانات نرم می‌کند و در می‌یابد که حیوان تسبیح‌گوی به مراتب از انسان بی‌نماز و دور از معنویت بهتر است.

آزار و اذیت حیوان‌ها

قرآن کریم در آیه ۱۱۹ سوره نساء هرگونه آزار و اذیت کردن حیوان‌ها مانند بریدن گوش و دم و... را کاری زشت و شیطانی می‌شمرد. سنت ناپسندی که هم اکنون هم در بین جوامع بظاهر متمدنی پابرجاست:

﴿وَلَا ضَلَّةَ لَهُمْ وَلَا أَمْنٌ لَهُمْ وَلَا مَرْئِيٌّ لَهُمْ فَلْيَبْتَئِكُمْ آذَانُ الْآنَاعِ امْ وَلَا مَرْئِيٌّ لَهُمْ فَلْيَغْيِرَنَّ خَلْقَ آلِهِ وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ آلِهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرًا مُبِينًا﴾ (سوره نساء، آیه ۱۱۹).

جمع‌بندی مؤلفه مسئولیت‌پذیری و نقد آن در قرآن کریم

قرآن کریم در آیات بسیاری اصول مرتبط با مسئولیت‌پذیری از اصول ده‌گانه نگاه تئوری انتخاب را تأیید می‌کند و به آن صحنه می‌گذارد. دو رکن اصلی مسئولیت‌پذیری از نگاه تئوری انتخاب مورد تأیید قرآن کریم نیز هست.

لیکن قرآن کریم به ارکان مسئولیت‌پذیری قیود دیگری نیز می‌آویزد و در نگاه به مسئولیت انسان تنها دو رکن تئوری انتخاب را کافی نمی‌داند. پرهیز از بدعت، وظیفه مضاعف در هدایت افراد تحت تکفل، مسئولیت بی‌قید و شرط در مقابل نیازمندان، مسئولیت حفظ عزت در مقابل طاغوت و سایر انواع مسئولیت با قید وظیفه دینی و نه ارضای نیاز درونی از جمله تفاوت‌های نگاه مسئولیت‌پذیر در قرآن کریم با تئوری انتخاب است.

برای جمع‌بندی در جدول‌های مشخص ابتدا نظریات مشترک، سپس نقدها و بعد از آن نظریات جدید قرآن کریم در خصوص مولفه مسئولیت‌پذیری تئوری انتخاب در قرآن کریم را بیان می‌کنیم.

نظریات مشترک در مؤلفه مسئولیت‌پذیری

مسئولیت‌پذیری از ارکان تئوری انتخاب است. این مؤلفه بسیار مهم یکی از زیربناهای معرفتی قرآن کریم نیز می‌باشد و به همین خاطر شباهت‌های قرآن کریم در مسئولیت‌پذیری نیز مورد توجه است:

هر انسان مسئولیت برآورده کردن نیازهای خود را به عهده دارد؛

نحوه برآورده کردن نیازها باید به گونه‌ای باشد که فرد کنترل مؤثر بر زندگی خود را در دراز مدت از دست ندهد. یعنی نیازهای فوری به نیازهای بلند مدت او لطمه نزنند؛

شیوه^۱ برآورده کردن نیاز توسط انسان، باری به روی دوش انسان دیگری به ناحق نگذارد؛

اصل چهارم تئوری انتخاب: وجود یک رابطه مشکل دار بخشی از زندگی کنونی ماست و نسبت دادن آن به گذشته صرفاً مسئولیت‌گریزی است؛

اصل پنجم تئوری انتخاب: آنچه در گذشته رخ داده علرغم تأثیری که دارد اما مانع ارضای نیازهای ما در زمان حاضر یا آینده نیست. متناسب با بحث توبه در قرآن کریم است؛

در بخش‌هایی از انواع احساس مسئولیت مشابهت‌هایی بین قرآن کریم و تئوری انتخاب نیز هست: حس مسئولیت در مقابل خانواده، جامعه، طبیعت، حیوانات و... هر چند تفاوت‌هایی هم هست که در وقت خود طرح خواهد شد.

جدول ۱- نظریات مشترک قرآن و تئوری انتخاب در مؤلفه مسئولیت‌پذیری

مؤلفه‌ها	سوره / شماره آیه	نظریات مشترک
مسئولیت‌پذیری	معارج ۱۹ تا ۲۵	تأیید ذات مسئولیت‌گرایان انسان و این‌که مسئولیت‌پذیری نیاز به تمرین و آموزش و تقویت دارد.
	فاطر ۱۸، اسراء ۲۸۵، مدثر ۴۳ تا ۴۶، مائده ۱۰۵، بقره ۴۴، اسراء ۳۶	هرکس مسئول برآورده‌سازی مؤثر نیازهای خویش است. مسئولیت رفتارها و اقداماتی که انجام می‌دهی منحصرأ با خود توست و کسی نمی‌تواند به جای تو نیازهای تو را برآورده سازد و یا پیامدهای رفتارت را برعهده بگیرد. پیامدهای رفتارهایت به خودت بازخواهد گشت.
	شوری ۴۲، بقره ۱۴۰	ارضای نیازهایت نباید به گونه‌ای باشد که مانع از ارضای به حق نیاز دیگری شود.
	نساء ۳۴	انسان در برابر خانواده مسئول است. نیازهای مادی و معنوی اعضا خانواده را باید تأمین کند.
	غاشیه ۲۱ و ۲۲، یونس ۱۰۸	انسان در برابر جامعه وظیفه دارد اطلاعات دهنده مؤثر و مطلوب باشد و البته هرگز وادارکننده نخواهد بود.
	اعراف ۸۵، بقره ۱۶۴، قمر ۴۹، طلاق ۳، مائده ۸۷، هود ۶۱، انبیا ۳۰، بقره ۱۶۴، جمعه ۱، تغابن ۱، نحل ۶۸، نساء ۱۱۹	حس مسئولیت در مقابل طبیعت و حیوانات از مشترکات هر دو دیدگاه است.

نقد قرآن کریم بر مؤلفه مسئولیت پذیری

مسئولیت پذیری رکن مورد توجه قرآن و تئوری انتخاب است. اساس واقعیت درمانی و تئوری انتخاب بر مسئولیت پذیری بنا شده است و قرآن کریم نیز بر آن تاکید ویژه دارد. اما با اینحال تئوری انتخاب بواسطه نادیده گرفتن بعد روحانی انسان خیلی سطحی به مسئولیت پذیری نگریسته است و از شروطی اساسی در این مؤلفه غافل است. در جدول زیر گوشه‌ای از نقدهای قرآن کریم را در این خصوص ملاحظه می‌فرمایید:

جدول ۲- نقد قرآن کریم بر مؤلفه مسئولیت پذیری

مؤلفه‌ها	سوره / شماره آیه	بیان نقدهای قرآن کریم و تئوری انتخاب
مسئولیت پذیری	تحریم ۶، هود ۴۶	انسان بیش از سایر افراد جامعه در قبال خانواده‌اش مسئول است و باید مراقبت کند آن‌ها در مسیر دوزخ قرار نگیرند. در حالی که تئوری انتخاب بین میزان کنترل خانواده و سایر افراد جامعه تفاوتی قائل نیست
	انعام ۱۵۱	حس مسئولیت انسان در برابر والدین در قرآن بسیار صریح و حساس است. نمی‌توان اوامرشان را حتی اگر برای فرد زحمت دارد انجام نداد. تئوری انتخاب اما رسیدگی به والدین را مشروط به بهم نخوردن کنترل مؤثر خودت بر زندگی می‌داند.
	فجر ۱۸، ماعون ۳، ذاریات ۱۹، حاقه ۳۳ و ۳۴، نساء ۳۶	حس مسئولیت انسان نسبت به نیازمندان جامعه در قرآن بسیار سفارش شده است. هم وظیفه دارد بخشش را انجام دهد و هم وظیفه دارد علاوه بر فعل رسیدگی به نیازمندان، عمل تشویق دیگران را نیز به اینکار انجام دهد. ضمن این که این وظیفه هیچ ربطی به این مسئله که فرد از درون کشش به انجام آن داشته باشد یا نداشته باشد نیز ندارد هم چنانکه تئوری انتخاب معتقد است فرد برای ارضای حس ارزشمندی اینکار را بکند خوب است و گرنه وظیفه‌ای بیش از ارضای آن ندارد. حال آنکه قرآن ابدأ چنین نمی‌گوید.

نظریات جدید قرآن کریم در مؤلفه مسئولیت پذیری

عدم بدعت و عدم مخالفت با فرمان الهی؛

مسئولیت در برابر مقابله با سلطه.

جدول ۳- نظریات جدید قرآن کریم در مؤلفه مسئولیت پذیری

مؤلفه‌ها	سوره/شماره آیه	بیان امتیازات و نظرات قرآن کریم و تئوری انتخاب
مسئولیت پذیری	حدید ۲۷	عدم بدعت و عدم مخالفت با حکم خدا و رسولش از شروط انحصاری قرآن کریم در مسئله مسئولیت پذیری است.
	نحل ۳۶، نساء ۱۴۴، نساء ۱۳۹، مائده ۱۵۱، هود ۱۱۳	حس مسئولیت در برابر ایستادگی در مقابل نظام‌های سلطه و مستکبر از امتیازات مسئولیت پذیری قرآن است.

مراجع

- [1] Glasser, W. (2013). "Choice Theory." HarperCollins Publisher, New York.
- [2] Glasser, W. (2012). "Choice theory, A new psychology of personal freedom." HarperCollins Publisher, New York.
- [3] Glasser, W. (2014). "Reality therapy, introduction to the new reality therapy based on choice theory." Saye Sokhan, Tehran.
- [۴] طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). "ترجمه تفسیر المیزان"، چاپ ۵، جلد ۱۷. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی - ایران، قم.